

رأی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره تعهدات اسرائیل به عنوان قدرت اشغالگر

در تاریخ 18 دسامبر 2024، مجمع عمومی سازمان ملل متحد (UNGA) با تصویب قطعنامه 79/232، از دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) درخواست کرد تا نظر مشورتی خود را درباره «تعهدات اسرائیل در رابطه با حضور و فعالیت‌های سازمان ملل متحد، سایر سازمان‌های بین‌المللی، و کشورهای ثالث در سرزمین‌های اشغالی فلسطین (OPT) و در ارتباط با آنها» ارائه دهد.

در تاریخ 22 اکتبر 2025، ICJ نظر مشورتی خود را صادر کرد و چارچوب حقوقی‌ای را که تعهدات اسرائیل به عنوان قدرت اشغالگر و مسئولیت‌های آن نسبت به سازمان ملل متحد، سایر سازمان‌های بین‌المللی، و کشورهای ثالثی که در فعالیت‌های بشردوستانه و توسعه‌ای در OPT مشارکت دارند، بررسی کرد.

دیوان صلاحیت خود را بر اساس ماده 65 اساسنامه ICJ و ماده 96 منشور سازمان ملل متحد تأیید کرد و تأکید نمود که مجمع عمومی صلاحیت درخواست راهنمایی از آن را دارد. دیوان اعتراضات مبنی بر سیاسی بودن درخواست یا هم‌پوشانی با موضوعات در حال بررسی در پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل (اجرای کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی) را رد کرد. با توجه به اینکه «دلیل قانع‌کننده‌ای» برای رد درخواست وجود نداشت، دیوان تأکید کرد که این پرس‌وجو ماهیت حقوقی دارد و کاملاً در چارچوب نقش مشورتی آن قرار می‌گیرد.

تأکید بر این نکته ضروری است که اختیار ICJ در این پرونده تفسیری بود، نه تحقیقاتی. دیوان مأمور بررسی یا قضاوت درباره رفتار واقعی اسرائیل نبود، بلکه وظیفه داشت تعهدات حقوقی اسرائیل را تحت قوانین بین‌المللی به عنوان قدرت اشغالگر و دولت عضو سازمان ملل روشن کند. اگرچه دیوان از گزارش‌های متعدد سازمان ملل و رسانه‌ها درباره ادعای نقض حقوق در غزه و کرانه باختری آگاه بود، اما این واقعیت‌ها را به صورت مستقل ارزیابی یا درباره آنها تصمیم‌گیری نکرد. بنابراین، اطلاعات زمینه‌ای ارائه‌شده در اینجا درباره اقدامات اسرائیل و شرایط بشردوستانه از خود نظر مشورتی استخراج نشده، بلکه از منابع عمومی و به‌خوبی مستند گرفته شده است که به روشن‌سازی اهمیت و جدیت یافته‌های دیوان کمک می‌کنند.

اسرائیل یک قدرت اشغالگر است

ICJ تأیید کرد که اسرائیل همچنان یک قدرت اشغالگر در نوار غزه و سایر بخش‌های سرزمین‌های اشغالی فلسطین به معنای ماده 42 مقررات لاهه 1907 و کنوانسیون چهارم ژنو 1949 باقی می‌ماند، علی‌رغم به اصطلاح «عقب‌نشینی» در سال 2005. اگرچه اسرائیل در آن زمان حضور نظامی دائمی و شهرک‌های خود را از غزه خارج کرد، دیوان خاطرنشان کرد که اسرائیل همچنان کنترل مؤثر بر مرزها، حریم هوایی، آب‌های سرزمینی، ثبت جمعیت، و زیرساخت‌های کلیدی اعمال می‌کند و بدین ترتیب سطحی از اقتدار را حفظ می‌کند که اشغال را تحت قوانین بین‌المللی تعریف می‌کند.

دیوان روشن کرد که کنترل مؤثر، و نه استقرار فیزیکی نیروها، وجود اشغال را تعیین می‌کند. بر این اساس، اسرائیل تمامی تعهدات حقوقی یک قدرت اشغالگر را بر عهده دارد، از جمله وظیفه حفاظت از غیرنظامیان، تضمین نظم و امنیت عمومی، و احترام به حاکمیت و حقوق جمعیت اشغال‌شده تحت قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر.

تعهد به رفاه جمعیت غیرنظامی

بر اساس مواد 55 و 56 کنوانسیون چهارم ژنو، قدرت اشغالگر مسئولیت اولیه و مستقیم برای اطمینان از تأمین غذا، مراقبت‌های پزشکی، و بهداشت عمومی جمعیت تحت کنترل خود دارد. این‌ها تعهدات غیرمشروط هستند که باید با هزینه اشغالگر انجام شوند.

تنها زمانی که قدرت اشغالگر واقعاً قادر به تأمین نیازهای جمعیت نباشد، می‌تواند عملیات امدادی از سایر دولت‌ها یا سازمان‌های بشردوستانه بی‌طرف را بپذیرد و تسهیل کند. حتی در این صورت، ماده 59 او را ملزم می‌کند که با «تمامی ابزارهای در دسترس» به این عملیات «موافقت کرده و آن‌ها را تسهیل کند». هرگونه مانع یا محدودیت در تلاش‌های امدادی با کنوانسیون مغایرت دارد و اگر منجر به محرومیت یا گرسنگی شود، می‌تواند به‌عنوان نقض جدی و جنایت جنگی تحت حقوق عرفی بین‌المللی تلقی شود.

نظر دیوان این وظایف را در قالب اصطلاحات حقوقی انتزاعی شناسایی می‌کند؛ رفتار اسرائیل در غزه را ارزیابی نمی‌کند. با این حال، گزارش‌های گسترده سازمان ملل و سازمان‌های بشردوستانه محدودیت‌های گسترده‌ای بر غذا، سوخت، و تدارکات پزشکی را مستند کرده‌اند — شرایطی که به‌طور نزدیک با ممنوعیت‌های حقوقی توصیف‌شده توسط ICJ مطابقت دارند.

ممنوعیت گرسنگی و مجازات جمعی

ICJ تأیید کرد که گرسنگی دادن به غیرنظامیان به‌عنوان روش جنگ به‌طور مطلق ممنوع است، بر اساس ماده 54 پروتکل الحاقی اول (1977)، مواد 55-59 کنوانسیون چهارم ژنو، و قاعده 53 حقوق عرفی بشردوستانه بین‌المللی. این ممنوعیت شامل هرگونه سیاست یا اقدامی می‌شود که جمعیت غیرنظامی را از اشیاء ضروری برای بقای خود، از جمله غذا، آب، سوخت، و دارو، محروم می‌کند.

اگرچه دیوان شواهد رفتار میدانی را ارزیابی نکرد، اما روشن کرد که مانع‌تراشی عمدی در امداد یا دستکاری در تدارکات ضروری می‌تواند معادل نقض‌های جدی و جنایات جنگی تحت حقوق بین‌المللی باشد. بنابراین، استاندارد حقوقی روشن است، حتی اگر دیوان آن را به شرایط واقعی اعمال نکرده باشد.

گزارش‌های مستقل از نهادهای سازمان ملل و سازمان‌های بشردوستانه نشان می‌دهند که محدودیت‌های اعمال‌شده بر غزه منجر به گرسنگی حاد و فروپاشی پزشکی شده است. اگرچه این گزارش‌ها توسط دیوان بررسی نشده‌اند، اما نوع موقعیتی را که استدلال حقوقی ICJ به‌طور مستقیم به آن اشاره دارد نشان می‌دهند — موقعیتی که محرومیت عمدی از کالاهای ضروری، اگر عمدی باشد، معادل استفاده از گرسنگی به‌عنوان روش جنگ و شکل مجازات جمعی است که تحت ماده 33 کنوانسیون چهارم ژنو ممنوع است.

دیوان همچنین تأیید کرد که چنین ممنوعیت‌هایی غیرقابل فسخ هستند. حتی در شرایط درگیری مسلحانه یا نگرانی‌های امنیتی مشروع، دولت‌ها نمی‌توانند به دلایل امنیتی استناد کنند تا نقض‌های هنجارهای الزام‌آور حقوق بین‌المللی، از جمله

ممنوعیت گرسنگی، مجازات جمعی، و انکار خودمختاری را توجیه کنند. این تعهدات مطلق و الزام‌آور هستند، صرف‌نظر از شرایط نظامی یا سیاسی.

تعهدات به‌عنوان دولت عضو سازمان ملل متحد

به‌عنوان دولت عضو سازمان ملل، اسرائیل موظف است طبق مواد 2(2) و 2(5) منشور سازمان ملل با حسن نیت با سازمان همکاری کند و طبق ماده 105 منشور و کنوانسیون 1946 درباره امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل متحد (CPIUN)، امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل، آژانس‌های آن، و پرسنل آن را رعایت کند. این حفاظت‌ها در طول درگیری‌های مسلحانه و اشغال نیز پابرجا می‌مانند.

ICJ تأیید کرد که اسرائیل باید پرسنل، اموال، و تأسیسات سازمان ملل را رعایت و محافظت کند و باید اجازه دهد و فعالیت‌های آژانس‌های سازمان ملل، به‌ویژه آن‌هایی که در کمک‌های بشردوستانه مانند UNRWA مشارکت دارند، را تسهیل کند. دیوان درباره حوادث خاص یافته‌ای ارائه نکرد، اما تأکید کرد که مداخله در عملیات‌های سازمان ملل یا حملات به پرسنل آن نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی را تشکیل می‌دهد.

برای زمینه‌سازی، منابع سازمان ملل گزارش می‌دهند که بین اکتبر 2023 و پایان 2025، بیش از 190 پرسنل سازمان ملل — که تقریباً همگی از UNRWA بودند — در عملیات‌های نظامی اسرائیل در غزه کشته شدند، که این تعداد بیشترین تلفات پرسنل سازمان ملل از سال 1945 را نشان می‌دهد. مجتمع‌ها و مدارس سازمان ملل، که مختصات آن‌ها به مقامات اسرائیلی ارائه شده بود، بارها مورد حمله قرار گرفتند. اگرچه ICJ این واقعیت‌ها را ارزیابی نکرد، نظر آن چارچوب حقوقی‌ای را تعریف می‌کند که باید این اقدامات در آن ارزیابی شوند.

اسرائیل نباید مانع خودمختاری مردم فلسطین شود

حق مردم برای تعیین سرنوشت خود یک هنجار الزام‌آور حقوق بین‌المللی (jus cogens) و سنگ بنای نظام منشور سازمان ملل است. این حق در مواد 1(2) و 55 منشور سازمان ملل، ماده 1 هر دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) منعکس شده و به‌عنوان یک تعهد erga omnes نسبت به کل جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است.

در نظر مشورتی سال 2025، دیوان حکم داد که اسرائیل نباید مانع از行使 این حق توسط مردم فلسطین شود، از جمله از طریق مانع‌تراشی در عملیات‌های سازمان ملل یا دولت‌هایی که به رفاه و توسعه آن‌ها کمک می‌کنند. گسترش قانون داخلی یا کنترل اداری اسرائیل به OPT، به گفته دیوان، با این تعهدات ناسازگار است و خودمختاری فلسطینی را مختل می‌کند.

ICJ به نظر مشورتی سال 2024 خود اشاره کرد که شهرک‌های اسرائیلی در کرانه باختری را غیرقانونی اعلام کرده بود و از اسرائیل خواسته بود گسترش را متوقف کند، شهرک‌های موجود را تخلیه کند، و جبران خسارت ارائه دهد. اگرچه نظر سال 2025 تحولات بعدی را بررسی نکرد، سوابق عمومی نشان می‌دهند که اسرائیل به گسترش شهرک‌ها ادامه داده است و رهبران سیاسی به‌طور علنی از الحاق حمایت کرده‌اند. این مشاهدات، که از گزارش‌های خارجی استخراج شده‌اند، زمینه‌ای را برای درک فرسایش مداوم خودمختاری فلسطینیان در پرتو احکام قبلی دیوان فراهم می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال 2025 تأییدی حیاتی بر تعهدات حقوقی‌ای است که حضور اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را تنظیم می‌کنند. این نظر وظایف اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر، دولت عضو سازمان ملل، و مشارکت‌کننده در نظم حقوقی بین‌المللی را روشن کرد، اما درباره آن‌ها قضاوت نکرد. نقش دیوان تعیین قانون بود، نه ارزیابی شواهد یا تعیین تقصیر — تمایزی که بی‌طرفی قضایی را حفظ می‌کند و در عین حال تفسیری الزام‌آور از هنجارهای بین‌المللی ارائه می‌دهد.

با این حال، این نظر چارچوب حقوقی روشنی ارائه می‌دهد که اقدامات اسرائیل می‌توانند توسط سایر نهادهای صالح ارزیابی شوند. این نظر تعیین می‌کند که:

- اسرائیل همچنان قدرت اشغالگر در غزه و کرانه باختری است؛
- مسئولیت اولیه برای رفاه غیرنظامیان را بر عهده دارد؛
- باید عملیات‌های سازمان ملل را رعایت کند و پرسنل بشردوستانه را محافظت کند؛
- نباید مانع خودمختاری فلسطینیان شود؛ و
- باید از هرگونه رفتاری که معادل گرسنگی، مجازات جمعی، یا الحاق باشد اجتناب کند.

دیوان همچنین تأکید کرد که این تعهدات مطلق و غیرقابل فسخ هستند. ملاحظات امنیتی، هرچند جدی، نمی‌توانند به‌طور قانونی هنجارهای الزام‌آور مانند ممنوعیت گرسنگی، مجازات جمعی، و انکار خودمختاری را نادیده بگیرند.

با توجه به یافته‌های ICJ و شواهد رو به افزایش درباره شرایط در غزه و کرانه باختری، مجمع عمومی سازمان ملل باید اکنون درخواست از دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) را برای ارزیابی رفتار اسرائیل در پرتو اقدامات موقت 2024، نظر مشورتی 2024، و نظر مشورتی 2025 در نظر بگیرد. چنین ابتکاری تمرکز را از روشن‌سازی به پاسخگویی تغییر می‌دهد و اطمینان می‌دهد که نقض هنجارهای الزام‌آور تحت بررسی قضایی قرار گیرند.

علاوه بر این، مجمع عمومی می‌تواند این تحقیق را به تعهدات نهادهای سازمان ملل و خود کشورهای عضو گسترش دهد و ارزیابی کند که آیا اقدامات — یا عدم اقدام — آن‌ها با استانداردهای حسن نیت و همکاری مورد نیاز منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل مطابقت دارد یا خیر.

رویکرد قضایی ICJ بنابراین نه تنها بیانیه‌ای از قانون ارائه می‌دهد، بلکه راهی برای اجرای آن نیز فراهم می‌کند. رعایت این احکام برای حفظ یکپارچگی حقوق بین‌الملل، اعتبار سازمان ملل متحد، و اصول جهانی عدالت و انسانیت که هر دو بر آن استوارند، ضروری است.